

گفتید با شرط و شروطی پا به «ایران» گذاشتید. آیا مقاومتی در مقابل رویکرد انتقادی روزنامه وجود داشت یا مواجهه‌ای می‌شد؟ خوشبختانه در آن دوره بدنه دولت، اعم از وزارتخانه‌ها و مدیران، همراهی و همکاری خوبی با روزنامه داشتند. دولتی‌ها البته دو دسته بودند. یک دسته از انتقاد خوششان نمی‌آمد اما اعتراضی هم نمی‌کردند. دسته دیگر اما معترض می‌شدند، تماس می‌گرفتند و معمولاً توضیحات ما قانع می‌شدند، اما می‌گفتند چون شما روزنامه دولت هستید نباید از ما انتقاد کنید. ما هم تأکید می‌کردیم چنین مأموریتی برای ما در روزنامه ایران تعریف نشده است. در مواردی هم برخی از مقامات مسئول پیگیری می‌شدند. اما تیم اطلاع‌رسانی دولت روحانی تیم حرفه‌ای بودند و از فضای باز برای تولید و انتشار انتقادهای سازنده از دولت حمایت می‌کردند. در همین چهارچوب، گفت‌وگوهای متعددی حتی با منتقدان جدی دولت روحانی تولید و منتشر شد. طبق تجربه شخصی‌ام معتقدم هرچقدر پایگاه مردمی دولت‌ها قوی‌تر باشد، کمتر به دنبال محدود کردن انتقادهای سازنده هستند. از این نظر «ایران» بویژه در دولت اول روحانی، عملکرد قابل دفاعی داشت. به‌طور کلی، چند صدایی بودن رسانه‌های مختلف و به‌طور ویژه رسانه‌های دولتی، با اعتماد به نفس دولت‌ها رابطه مستقیم داشته و دارد.

با همه آنچه گفتید، وقتی سردبیر «ایران» شدید، چه ایده‌هایی داشتید و چقدر از آن اهداف و ایده‌ها عملی شد؟ وارد «ایران» که شدم، با یک تحریریه پر تعداد مواجه بودم که ممکن نبود سردبیر بخواهد یا بتواند برای تک‌تک آنان مسئولیت مشخص کند. خاصه آنکه در آن تحریریه نیروهای کیفی و با تجربه و تجربزایی حضور داشتند که احتمالاً تسلط‌شان به حوزه خودشان از هر سردبیری بیشتر بود. اینگونه شد که کار را با همفکری و مشورت پیش بردیم. بخش زیادی از زحمات بردوش همکاران تحریریه بود و همین که حس می‌کردند به آنان میدان داده می‌شود و نگاه ابزاری وجود ندارد، کافی بود تا با انگیزه مضاعفی کار کنند. مهم‌ترین اصل در کار ما بازتاب دادن مسائل و مشکلات مردم بود. گروه اجتماعی و بقیه گروه‌ها به فراخور کار و مأموریت‌شان سعی می‌کردند این رسالت را دنبال کنند. هدف‌گذاری بعدی ما فعال کردن روزنامه و بازتاب مطالب آن در شبکه‌های اجتماعی مختلف بود. ترجیح من این بود که تولید محتوای بخش آنلاین را هم به تحریریه بسپارم. یعنی هر گروه مطالب برگزیده خود را برای بازنشر در شبکه‌های اجتماعی انتخاب و منتشر کند و به این ترتیب همکاران تحریریه را به تولید محتوای چند رسانه‌ای سوق بدهیم. شروع خوبی هم داشتیم. اما در ادامه راه مشکلاتی پیش آمد.

یکی از مسائلی که در تحریریه «ایران» همیشه مورد گلابه بود، شرایطی است که خبرنگاران را به نوعی کار کارمندی ناچار می‌کند. در دوره سردبیری‌تان حتماً هم با این گلابه مواجه بودید؟ بله. برخی قوانین کاری و بیمه‌ای چنین مشکلاتی را ایجاد می‌کنند. معمولاً همکاران قدیمی بخش اداری به الزامات کار روزنامه اشراف دارند، اما بعضاً مدیرانی از بیرون مجموعه منصوب می‌شدند که چنین اشرافی نداشتند و البته زورشان هم به تحریریه می‌چربید. خاصه وقتی که مشکلات بودجه‌ای ایجاد می‌شد، آن مدیران فکر می‌کردند مشکلات را باید از طریق تعدیل هزینه‌های تحریریه جبران کنند. حال آن که تحریریه موتور محرک مؤسسه ایران بوده و هست. خاطر هست در دوره‌ای که روزنامه دچار بحران مالی شد، طبق روال معمول گفتند باید از میزان اضافه کار تحریریه کم شود. در حالی که اغلب خبرنگاران پیگیر سوزه‌ها و تولید محتوا و صفحه‌بندی دیر هنگام، در ساعات غیر از ساعات موظفی مشغول فعالیت بودند و باید اضافه کار دریافت می‌کردند. توضیحات ما کارساز نشد تا اینکه در جلسه با مدیران، من و آقای فاضلی (مدیر مسئول) گفتیم حرفتان درست است، باید کشتی را از غرق شدن نجات داد و از باز

مالی آن کاست، اما بیا بید حذف اضافه کار را از حاضران دور همین میز شروع کنیم. بعد در همان جلسه رأی‌گیری کردیم و این پیشنهاد رأی نیورد! و در پی آن، فشار حذف اضافه کار در آن مقطع، موقتاً از روی تحریریه برداشته شد. نباید در صرفه‌جویی‌ها شرایط به گونه‌ای شود که موتور محرک مؤسسه ایران لطمه ببیند. زیرا اگر محتوای تولیدی که ناشی از فعالیت تحریریه است خوب نباشد، هم از میزان فروش کاسته می‌شود و هم تقاضای انتشار آگهی کاهش می‌یابد و به این ترتیب همه متضرر می‌شوند. در موردی دیگر، یکبار هم یادم هست دو همکار را برای تهیه گزارش میدانی و تصاویر به مناطق سیل‌زده، «اعزام سریع» کردیم و سپس پیگیر واریز مبلغی شدیم تا هزینه رفت و برگشت، اقامت، تغذیه و سایر هزینه‌های جاری آنان تأمین شود. اما مبلغی که برای این همکار واریز شد بسیار ناچیز بود، آنقدر ناچیز بود که کفاف هزینه آنان در شرایط عادی را نمی‌داد، چه برسد به شرایط بحرانی سیل.

در مثالی دیگر، از خبرنگار مجلس که باید صبح اول وقت خودش را به بهارستان می‌رساند تا جلسات مجلس را پوشش دهد، می‌خواستند ابتدا به روزنامه بیاورد و ساعت ورود خود را ثبت کند و بعد به مجلس برود و تأکید داشتند در غیراین صورت، ساعات پوشش خبری او در مجلس، در فهرست غیبت غیرموجه‌اش ثبت و محاسبه خواهد شد. از این مسائل کم نبود و جانداختن این واقعیت بدیهی که خبرنگار، کارمند نیست، کار آسانی نبود. هرچند بخشی از این مسائل با گفت‌وگو حل می‌شد اما قابل انکار نبود که اغلب مدیران اداری روزنامه، شناختی از مأموریت و ویژگی کار روزنامه و تحریریه نداشتند و با اتخاذ تصمیماتی اداری، ناخواسته به مانع فعالیت و پویایی روزنامه تبدیل می‌شدند و تصحیح مصوبات نادرست و غیرکارشناسی آنان، انرژی و زمان زیادی را هدر می‌داد. مصفانها باید این نکته را هم یادآوری کنم که بدنه اداری روزنامه، به دلیل حضور دیرپا و مستمر در روزنامه، اغلب، شناخت و همراهی بیشتری با تحریریه داشتند و خود آنان، بخش قابل توجهی از عوامل رفع چالش‌های ساخته مدیران بودند.

به عنوان کسی که چندین سال به تحریریه «ایران» تعلق داشته، دغدغه و پیشنهادتان برای «ایران» امروز چیست؟ به نظرم گروهی که اکنون در روزنامه مستقر شده است، گروه حرفه‌ای و خوبی هستند و کارنامه شایسته‌ای هم دارند. برای همین امیدوارم با برخورداری از ظرفیت‌هایی که وجود دارد و با هوشمندی خودشان، ریل‌گذاری درستی برای آینده «ایران» انجام دهند. پیشنهاد خاصی ندارم، جز اینکه سعی کنند روزنامه ایران را در جایگاه پل ارتباطی مردم و دولت قرار دهند و صرفاً آرگان رسانه‌ای و تبلیغی دولت نباشند. «ایران» باید در ذهن مردم بیش از همیشه جا باز کند و مردم هم اثر و رد پای خود را در روزنامه ببینند و به این باور برسند که روزنامه ایران صرفاً جایی نیست که کارنامه و نظرات دولت در آن منتشر شود. این ذهنیت در همکاران و مدیران فعلی روزنامه وجود دارد و می‌توان رگه‌هایی از آن را دید. خوشبختانه مسأله وفاق ملی این مزیت را برای روزنامه ایران دارد که با حمایت همین گفتمان دیدگاه‌های مختلف را در خود بازتاب بدهد و ملی‌تر از همیشه عمل کند. بویژه آنکه کارکرد گفت‌وگوهای انتقادی کارشناسان این است که با طرح مشکلات و دیدگاه‌های متفاوت، به نظرم دولت در حل این مسائل کمک می‌کند. از باب پیشنهاد هم، به نظرم چند تغییر در روزنامه ایران ضروری است. مهم‌ترین این تغییرات، توجه به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است. امروز دیگر صرف قرار دادن نسخه کاغذی روزنامه در سایت برای هیچ روزنامه‌ای پاسخگو نیست. باید برای شبکه‌های اجتماعی برنامه حرفه‌ای داشت. «ایران» با تولید محتوای بیشتر و کیفی‌تری می‌تواند حتی فراتر از مرزها اثرگذاری داشته باشد. تولید محتوای واقع‌بینانه، آسیب‌شناسی کارشناسانه مسائل و رویدادها، کمک بزرگی برای دولت خواهد بود تا نقطه ضعف‌های خود را بشناسد. قرار نیست کارشناسان فقط انتقاد کنند. می‌توانند راه‌حل هم ارائه بدهند و چه بسا آن راه‌حل‌ها گره‌گشای بخشی از چالش‌های دولت هم باشد.

دولتی‌ها البته دو دسته بودند. یک دسته از انتقاد خوششان نمی‌آمد اما اعتراضی هم نمی‌کردند. دسته دیگر اما معترض می‌شدند، تماس می‌گرفتند و معمولاً توضیحات ما قانع می‌شدند، اما گفتند چون شما روزنامه دولت هستید نباید از ما انتقاد کنید. ما هم تأکید می‌کردیم چنین مأموریتی برای ما در روزنامه ایران تعریف نشده است